

۱- مقدمه

در عصری که ایران، جولانگاه شمشیرزنان ترکمان و ردپوشان عربی‌گوی یا تازی‌خوی بود؛ به همت قطب‌شاهیان و عادلشاهیان و گورکانیان، هند سرزمین روایی سخن پارسی و فرهنگ ایرانی شده بود. تشویق‌های گوناگون و زرفشانی‌های روزافزون در مقدم شاعران و منشیان و نویسندگان و ادب‌شناسان پارسی‌گو باعث شده بود که آنان پس از آموختن ادب و تمرین و سرآمدشدن و «استطاعت در فضل و هنر»، از مراکز ادبی، آهنگ شکرستان هند کنند؛ بنابراین شاعران و نویسندگان ممتاز، علاوه بر شهرهای فرهنگ‌پروری چون کاشان، شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز و همدان، از محدوده جغرافیایی امروز افغانستان نیز، راهی دربار مغولان هند شدند. ذبیح‌الله صفا معتقد است، «در میان دوره‌های تاریخی گوناگون که نظم فارسی در هند رواج یافته، دوره پادشاهی گورکانیان، به‌ویژه پس از استقرار سلطنت «همایون» و دوران پادشاهی فرزندش «جلال‌الدین اکبر»، عهد اعتلای نفوذ فرهنگ ایرانی و رواج بی‌چون‌وچرای زبان و ادب فارسی در سراسر شبه‌قاره هند است» (صفا، ۱۳۷۱، ۵/ب: ۴۸). سیدابوالقاسم نجم‌الدین محمد میانکالی کابلی متخلص به «کاهی» و معروف به مولانا قاسم کاهی (۹۸۸-۸۶۸هـ.ق) از شاگردان عبدالرحمن جامی و از نخستین زائران «کعبه هند» است که در کنار شاعران مشهوری چون غزالی مشهدی، فیضی‌دکنی، ثنایی مشهدی، عرفی شیرازی و... به‌عنوان یکی از حلقه‌های زنجیری که از سده دهم تا قرن دوازدهم هجری در حال تشکیل و امتداد بود؛ در جهت کمال زنجیره فکری و ذوقی فرهنگ و زبان ایرانی در هند گام برداشته است. «عبدالقادر بداونی» از معاصران کاهی و «آنه‌ماری شیمل» نویسنده شهیر معاصر آلمانی، «کاهی» را از اولین شاعران دارای دیوان و تخلص دربار جلال‌الدین اکبرشاه معرفی کرده‌اند (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۸۶). «ریپکا» در کتاب «تاریخ ادبیات ایران» معتقد است که «نجم‌الدین محمدابوالقاسم کاهی یکی از پرشورترین کسانی است که به دین الهی اکبر خستو شده و آن را تبلیغ کرده است» (ریپکا، ۱۳۸۲: ۱۲۴۱/۲).

علی‌اصغر حکمت نیز در کتاب «سرزمین هند» با توجه به کتاب «آیین اکبری» نوشته وزیر اکبرشاه آورده است: «ابوالفضل وزیر در کتاب معروف آیین اکبری، فهرستی طولانی از شعرای دربار آن پادشاه با اسم و رسم آورده است؛ مشتمل بر شصت نام که همه آن‌ها از مهاجرین ایران بوده‌اند. در آن میان، قاسم کاهی، نظیری نیشابوری و عرفی شیرازی از همه معروف‌ترند» (حکمت، ۱۳۳۷: ۹۰). اگرچه در میان تذکره‌ها و تاریخ‌نامه‌های فراوان قرن دهم تا دوازدهم،

«کاهی» از پیشگامان مهاجرت به هند و از شاعران مُقرب گورکانیان است؛ اما متأسفانه به جز ابیاتی پراکنده از اشعار دیوانش و به جز نامی از مثنوی «گل افشان» او ارائه نشده است. در میان پژوهندگان معاصر، نخستین بار «هادی حسن» از استادان فاضل دانشگاه «علیگره» در هند با دستیابی به نسخه خطی «مسعود حسن رضوی» به تصحیح و تعلیق دیوان کاهی به زبان انگلیسی اقدام کرده است. هادی حسن با توجه به تتبعات و تحقیقات وافر و شایانش در منابع بی‌شمار، دربارهٔ ازبین رفتن آثار کاهی معتقد است که «کاهی [ای] که هست از کاهی [ای] که بوده، تفاوت دارد. کاهی، خوش صحبت براننده‌ای بود؛ اما محض پنج نمونه از بذله‌گویی او به دست رسیده است. کاهی، نامه‌های زیبا می‌نوشت که محض یک نمونه آن به ما رسیده و این نامه، قدرت او را در مکتوبات می‌نمایاند. کاهی بعضی از غزل‌های خود را به موسیقی درآورده و موسیقی‌دان مشهوری بوده و در علم موسیقی تصنیف داشته؛ اما تصانیف او در موسیقی از بین رفته. کاهی در جواب «بوستان سعدی» مثنوی سروده که از آن به جز نام آنکه «گل افشان» بود و بیت اول باقی نمانده» (هادی حسن، ۱۳۵۴: ۱۲۶).

مثنوی «گل افشان» یکی از ارزشمندترین نمونه‌های فن «جواب‌گویی» در ادب پارسی است. نسخه خطی این اثر که توسط نگارندگان در حال تصحیح است؛ قافیه‌به‌قافیه در جواب بوستان سعدی شامل یک دیباچه و ده باب به‌نام‌های «در عدل و انصاف و تدبیر جهان‌داری»، «در احسان»، «در عشق و طریقت اولیاء»، «در تواضع»، «در رضا»، «در قناعت»، «در تربیت»، «اندر شکر»، «در توبه»، «در مناجات و ختم کتاب»، در (۳۶۸۳) بیت در قرن دهم به‌نام «اکبرشاه» سروده شده است.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

با توجه به نابودشدن بیشتر آثار کاهی و عدم انجام تحقیقات جامع در خصوص نسخه خطی «گل افشان» این مقاله در پی آن است که ضمن رد نظر هادی حسن، مبنی بر معدوم‌شدن «گل افشان»، با معرفی و ارائهٔ این نسخهٔ نویافته و منحصربه‌فرد که از معدود کُتب جوایبه و تقلید از بوستان سعدی است، با آشکارسازی هویت یکی از حلقه‌های فکری و ذوقی زنجیرهٔ فرهنگ و ادب ایران از سدهٔ دهم تا دوازدهم به این پرسش‌ها پاسخ دهد که:

۱- نسخه خطی حاضر چه مشخصات و ویژگی‌هایی دارد؟

۲- تعداد ابیات، عناوین ابواب، حکایات و شخصیت‌های آن، چه مشابهتی با بوستان سعدی

دارد؟

۳- چگونه می‌توان اثبات کرد که این نسخه‌خطی متعلق به کاهی کابلی است؟

۴- مزیت‌های مثنوی «گل‌افشان» بر سایر مثنوی‌های تقلیدشده از بوستان مانند «بوستان خیال» عبدی‌بیگ شیرازی (۹۶۱هـ.ق)، «سنبلستان» میرزا هرگوپال تفته (۱۲۷۷هـ.ق) و «خانقاه» فقیر اصطهباناتی چیست؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

اگرچه از معروف‌ترین کتاب‌های تاریخی عصر اکبرشاه به‌نام «مُتَّخَبُ التَّوَارِيخِ» که در روزگار کاهی نگارش یافته و پس از آن در تذکره‌هایی چون «عرفاتُ العاشقین»، «مخزنُ الغرائب»، «سفینه خوشگو»، «آفتاب عالم‌تاب»، «ریحانه‌الأدب»، «تذکره علمای هند» تا «تاریخ ادبیات در ایران» نوشته ذبیح‌الله صفا، مثنوی «گل‌افشان» را از اصلی‌ترین آثار کاهی برشمرده‌اند؛ اما به‌قول هادی حسن به‌جز نام این مثنوی و مطلع آن:

جهان‌آفرین را به جهان‌آفرین
به جهان‌آفرین صد جهان‌آفرین
(بدایونی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۱/۳)

تا به‌حال نسخه‌ای از این اثر ارزشمند ارائه نشده‌است و به‌علت مستوربودن و نادربودن دستنویس آن، نویسندگان کُتب تذکره و محققان، این کتاب را جزو آثار معدوم شده کاهی به‌شمار آورده‌اند؛ به‌همین دلیل معرفی و تصحیح این اثر ارزشمند، ضروری به‌نظر می‌رسد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی با توجه به نسخه‌خطی نویافته در کتابخانه ابن‌مسکویه اصفهان و براساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده‌است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

گذشته از شرح حال مختصر کاهی در کُتب تذکره و تراجم و تاریخ ادبیات ایران و افغانستان، از میان تحقیقاتی که عمدتاً درباره کاهی و دیوانش انجام شده می‌توانیم به «مقدمه دیوان کاهی» هادی حسن (۱۹۵۳م) کلکته، «ترجمه احوال کاهی» محمدعثمان صدقی (۱۳۳۴هـ.ش) مجله آریانا در افغانستان، «معرفی کاهی» ادیب برومند (۱۳۴۴هـ.ش) مجله وحید، «رساله معمای قاسم کاهی» به‌کوشش نذیر احمد (۱۹۵۸م) در لاهور، «دیوان قاسم کاهی» به‌کوشش احمد کرمی تهران (۱۳۶۶هـ.ش)، «تصحیح انتقادی دیوان قاسم کاهی» پایان‌نامه دکتری تاج‌الحق چودی (۲۰۰۵م) در جامعه ملیه اسلامی هندوستان و «تأثیر مهاجرت نخبگان ایرانی در تکوین رویکردهای بابریان به

فرهنگ اسلامی» (خواندمیر، زین الدین خوافی، قاسم کاهی، یوسف هروی، عبدالله شیرازی و سید علی تبریزی) پایان‌نامه کارشناسی ارشد رقیه ابراهیمی (۱۳۸۷هـ.ش) در دانشگاه الزهراء تهران اشاره کرد. لازم به ذکر است تاکنون تحقیقی درباره منظومه «گل افشان» کاهی صورت نگرفته است.

۲- کاهی از میانکال و کابل تا اکبرآباد (۹۸۸-۸۶۸هـ.ق)

۲-۱- نام و کنیت

سید ابوالقاسم نجم‌الدین محمد سمرقندی متخلص به «کاهی»، معروف به مولانا قاسم کاهی، قاسم اکبرآبادی، قاسم کاهی کابلی، شاه سید قاسم کاهی سُغدی و قاسم میانکالی کابلی، از اکابر شاعران دربار همایون پادشاه (وفات ۹۶۳هـ.ق) و جلال‌الدین اکبرشاه گورکانی (وفات: ۹۸۴هـ.ق) است که در سال (۸۷۸/۸۶۸هـ.ق) در میانکال سمرقند به دنیا آمده است. تقی‌الدین محمد اوحدی نویسنده تذکره ارزشمند «عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین» از معاصرین کاهی درباره نام و کنیت کاهی آورده است: «قُطِب سِپهر طریقت، گوهر بحر حقیقت، مرکز دایره تجرُد، محیط مدار تَفَرُد، آفتاب اوج حقایق، بدر سیمای دقایق است. لقب و نام اصلش نجم‌الدین محمد و کنیتش ابوالقاسم است» (اوحدی‌بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۵۸۴/۴). از میان معاصران کاهی، نویسندگان «طبقات اکبری»، «تذکره جهانگیری»، «آیین اکبری»، «مُنتخب‌التواریخ»، «اقبال‌نامه جهانگیری» و «تذکره همایون و اکبر»، از او با احترام و اعزاز و با نام «مُلا قاسم کاهی» یاد کرده و نزدیک به دو تا سه دهه پس از مرگ او، امین احمد رازی (۱۰۰۲هـ.ق) و قاطعی هروی (۱۰۲۴هـ.ق) در دو تذکره مشهور «هفت اقلیم» و «تذکره مجمع‌الشعراى جهانگیری» شرح حال مفصل‌تری از او را با نام «سید ابوالقاسم نجم‌الدین محمد» معروف به قاسم میانکالی کابلی ثبت کرده‌اند (رازی، ۱۳۷۸: ۱۵۵۴؛ قاطعی هروی، ۱۹۷۹: ۱۰۶).

علاوه بر آثار یادشده، در برخی منابع از او با نام «مولانا سراج‌الدین کاهی» و در تذکره «نشتر عشق» از قول صاحب «مُنتخب‌الطایف»، «ملا مجدالدین» یاد شده است (عاشقی عظیم‌آبادی، ۱۳۹۱: ۲/۱۳۴۵). ذبیح‌الله صفا در جلد پنجم «تاریخ ادبیات در ایران» احتمالاً به پیروی از تذکره «مخزن‌الغرایب» از او با نام «نجم‌الدین ابوالقاسم محمد میانکالی کابلی» یاد کرده است (هاشمی سندیلوی، ۱۳۷۱: ۷۲۵-۷۲۰/۴؛ صفا، ۱۳۷۱، ۵/ب: ۲: ۷۵۵).

۲-۲- تَخْلُص و زادگاه

از میان تذکره‌نویسان، دو تذکره به تَخْلُص کاهی اشاره کرده‌اند. سندیلوی با توجه به بیت:

او نور کند قسمت و من بنگ او قاسم انوار است، من قاسم کاهی
 تخلص کاهی را به بنگ نسبت داده و آورده‌است: «از بس بنگ می‌زد و به آن مباحث می‌کرد،
 تخلص کاهی نموده» (هاشمی‌سندیلی، ۱۳۷۱: ۷/۷۲۰). به نظر می‌رسد، با توجه به هم‌عصر بودن
 نویسنده «عرفات‌العاشقین» با مولانا قاسم کاهی، نظر او درخصوص تخلص این شاعر به صحت
 مقرون‌تر است. اوحدی بلیانی در صفحه ۳۵۸۴ کتابش آورده‌است: «مولدش قلعه کاهی است و
 نسبت تخلص همان است و خود گفته بوده در اوایل حال، شخصی از آتراک، مرا به الاغ گرفته،
 جوال کاهی بر پشت نهاد؛ بدین سبب کاهی تخلص کردم» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۶/۳۵۸۴).
 تعداد معدودی از تذکره‌نویسان، کاهی را از سادات گلستانه اصفهان دانسته‌اند (صبا، ۱۳۴۳: ۲۶).
 ادیب برومند نیز با توجه به نظر مؤلف «خلاصه‌الشعار»، کاهی را اهل اصفهان می‌داند (برومند،
 ۱۳۴۴: ۱۹)؛ اما با توجه به صراحت اشعار کاهی در دیوانش، کم‌تر می‌توان درباره تخلص و موطن
 و محل نشو و نمای شاعر دچار تردید شد:

کاهی تو بلبل چمن‌آرای کابلی زاغ و زغن نه‌ای که به هندوستان شوی
 کاهیا از جان دعای پادشاه عصر کن زان که آگره از قدمش به ز شهر کابل است
 (کرمی، ۱۳۶۶: ۳۶)

۲-۳- استادان و ممدوحان کاهی

کاهی مقدمات علوم را در سمرقند و بخارا آموخته و به روایت همه تذکره‌نویسان، در پانزده
 سالگی در هرات، در محضر عبدالرحمن جامی کسب فیض کرده و از «ساغر جامی» مست و به
 قول خودش، پس از آن از نشئه عطار دیوانه شده‌است: نشئه دیوانگی از طبله عطار یافت
 بوده کاهی گرچه مست از ساغر جامی ولی (همان: ۴۶)

او پس از آشنایی با جامی در کسوت فرقه «نقشبندیه» درآمد و دیرزمانی در کابل زیست. به
 شوق دیدار هاشمی کرمانی، نخستین سفرش به هند (۹۵۶-۹۳۰هـ.ق) را آغاز کرد و در سلک
 مُریدان «هاشمی کرمانی» (۹۴۸هـ.ق) درآمد و در این دوره بود که اشعاری در مدح «بهادرشاه»
 حکمران گجرات (۹۴۲-۹۳۳هـ.ق) «عسکری میرزا» نایب‌السلطنه همایون‌شاه در گجرات (۹۳۳-
 ۹۴۳هـ.ق) و «محمودشاه» (۹۶۱-۹۴۳هـ.ق) سرود (انوشه، ۱۳۸۰: ۷۳۶/۱). سفر دوم کاهی به هند از
 سال (۹۶۱هـ.ق) به دعوت همایون پادشاه تا پایان عمر یعنی (۹۸۸هـ.ق) ادامه داشت. کاهی در سفر

دومش به هند در آگره و دهلی به عنوان شاعر دربار همایون و جلال‌الدین اکبرشاه و مدتی را در بنارس و جونپور به واسطه علاقه‌مندی به «خان‌زمان» و «بهادرخان» که از بزرگ‌ترین اعیان گورکانی بوده‌اند، اقامت داشته (هادی حسن، ۱۳۵۴: ۳۳) و اشعاری را در مدح آن‌ها سروده‌است. در همین سفر بود که مثنوی «گل افشان» را سرود و آن را به جلال‌الدین محمد اکبرشاه تقدیم کرد.

۲-۴- آثار و اشعار کاهی

بداونی از تاریخ‌نویسان و معاصران کاهی در کتاب «مُنتخب‌التواریخ» برخلاف دیگران شعر کاهی را خام و مضمون دیگران می‌داند؛ با این همه اعتراف کرده‌است که «از علم تفسیر و هیئت و کلام و تصوف، او را بهره تمام بود و در علم موسیقی، تصنیف دارد و در علم تصوف و معما و تاریخ و حُسن آدا و غیر آن بی‌قرینه روزگار است» (بداونی، ۱۳۸۰: ۳ / ۱۲۱). رپیکا نیز در کتاب «تاریخ ادبیات ایران» پس از عرفی، نظیری و ظهوری، از میان شاعران صوفی‌مذهب، غزالی مشهدی و قاسم کاهی را جزو سرشناس‌ترین نمایندگان سبک هندی در روزگار اکبر می‌داند (رپیکا، ۱۳۸۲: ۱۲۴۱). هرچند که کاهی جزو اولین شعرای ایرانی در قلمرو خانان مغول است که در منابع از او نام برده‌می‌شود (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۸۶)؛ اما متأسفانه آثار فراوانی از او باقی نمانده‌است.

از میان آثاری که از لابه‌لای تذکره‌ها و کُتب تاریخی به‌دست آمده، علاوه بر نامه‌ها و قصیده‌اُسْطُراب در مدح همایون پادشاه، از آثار او می‌توان به کُتب و رسائل ذیل اشاره کرد: ۱- دیوان کامل اشعار کاهی به نام «رفیع‌الدرجات» که حدود (۱۷۲۸) بیت آن شامل غزلیات، قصاید، مثنوی، قطعات و رباعیات به کوشش هادی حسن، گردآوری شده و در کلکته به چاپ رسیده‌است. برای تکمیل این دیوان، نسخه خطی نویافته دیوان کاهی در کتابخانه ملی تبریز می‌تواند راهگشا باشد. ۲- مثنوی «گل افشان» به بحر مُتقارب در جواب بوستان سعدی که در حال حاضر از روی نسخه خطی نویافته در کتابخانه اصفهان، توسط نگارندگان مقاله در حال تصحیح است. ۳- منظومه‌ای بر وزن حدیقه که به کوشش نذیر احمد به چاپ رسیده‌است. ۴- رساله‌های کاهی در علم معانی و بیان، علم عروض، معما، نقدالشعر، مفتاح‌الأبواب و علم موسیقی که نسخ برخی از این رساله‌ها موجود است.

۲-۵- شاگردان و مریدان کاهی

هادی حسن از میان شاگردان کاهی به دو شاگرد او که ماده تاریخ وفات کاهی را رقم زده‌اند؛ یعنی

مولانا «قاسم بخاری» و مولانا «حزینی» اشاره کرده‌است و معتقد است که «اسامی دو نفر از شاگردان کاهی به ما رسیده‌است» (هادی حسن، ۱۳۵۴: ۴۰)؛ اما صاحب «تذکره مجمع‌الشعرای جهانگیرشاهی» در ذکر خیر «ترخان نورالدین محمدخان» مشهور به حاکم «سفیدون» به کثرت ارادتمندان و شاگردان بسیار کاهی این‌گونه اشاره دارد که «اتفاقاً مخزن اسرار الهی مولانا قاسم کاهی، گذر ایشان بر «سفیدون» افتاد و ملا به پیشواز ایشان برآمده و چند روز صحبت‌ها و جشن‌های موزون و مطبوع به آخوند و شاگردان ایشان داشت و از شاگردان آخوند، هرکس که شعری گفته‌بود، به صله نوازش فرمود... بعد از آنکه حضرت آخوندی متوجه لاهور شدند، «بیست تن» از تلامذه آخوند که همراهی نموده‌بودند؛ به هرکدام، اسب با زین و لجام در گذار نمود (قاطع‌ی هروی، ۱۹۷۹: ۱۰۶). علاوه بر قاسم بخاری و مولانا حزینی، کُتب عرفات‌العاشقین، تذکره جهانگیری، تذکره میخانه، خزانه عامره، سفینه خوشگو و تاریخ علمای بلخ، «میر تشبیهی کاشی»، «مولانا واصفی»، «عبدی قلندر خراسانی»، «مولانا اوبهی»، «سید قراری»، «صبوحی کابلی»، «بهرام سقای بخاری»، «قاسم دیوانه» و «قاطع‌ی هروی» را از شاگردان و مریدان مولانا قاسم کاهی برشمرده‌اند (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۴۰: ۸۸۹-۸۸۸).

۲-۶- وفات و مزار کاهی

هرچند که تاریخ دقیق تولد کاهی هنوز بر ما معلوم نشده و غالباً (۸۷۸/۸۶۸هـ.ق) را ذکر کرده‌اند؛ اما بیش‌تر تذکره‌نویسان با اذعان به عمر طولانی کاهی، تاریخ وفات این شاعر و صوفی وارسته را در سال (۹۸۸هـ.ق) در آگره ثبت کرده‌اند و عموماً به ماده‌تاریخ «فیضی» (گفتا: دوم از ماه ربیع‌الثانی) و ماده‌تاریخ شاگرد رشیدش مولانا قاسم بخاری «رفت ملا قاسم کاهی» استناد کرده‌اند (رازی، ۱۳۷۸: ۱۵۵۵/۳). مزار کاهی در نزدیکی مدار دروازه اکبرآباد تا سال (۱۲۰۸هـ.ق) دارای گنبدی سنگی و مرتفع و زیارتگاه مردم آن دیار بوده‌است و امروز اثری از آن باقی نیست (هادی حسن، ۱۳۵۴: ۳۱).

۳- ارزش ادبی نسخه خطی «گل افشان»

نسخه خطی «گل افشان» از چند نظر دارای ارزش ادبی است که اختصاراً به آن‌ها اشاره خواهد شد:

۳-۱- از نظر تاریخ ادبیات

قرن نهم و دهم هجری در تاریخ ادبیات ایران با توجه به تغییرات سیاسی و تأثیرات آن در تغییر حوزه ادبی و سبک شعر فارسی و با توجه به کثرت شاعران و وفور مهاجرت آنان به سرزمین

هند، از نظر مطالعات ادبی و سبک‌شناسی دوره‌ای ارزشمند به‌شمار می‌رود. اگرچه پس از حمله محمود غزنوی، زبان فارسی بیگانه‌وار وارد سرزمین هند شد؛ اما ظهور امیر خسرو دهلوی در قرن هفتم و دعوت «سلطان غیاث‌الدین بن اسکندر» (وفات: ۸۲۱هـ.ق) پادشاه بنگاله از «حافظ شیرازی» برای سفر به هند نشان می‌دهد که آن نهال بیگانه و جوان، چند قرن در بوستان هندوستان ریشه می‌دوانیده است. در قرن نهم «ظهور وزرای دانشمندی چون «خواجه محمود گاو» در دربار سلاطین بهمینه در جنوب هندوستان و مکاتبات او با «جامی» باعث شد که شاگردان جامی که تحصیل کردگان فلسفه و شعر و ادب مدرسه هرات بودند، در دربار پادشاهانی چون «اسکندر لودی» (متوفی ۹۵۱هـ.ق) و «بابر» (متوفی ۹۶۳هـ.ق) حضور یابند و آن نهال جوان به درختی تناور تبدیل شود» (حکمت، ۱۳۳۷: ۸۷). پس از پناه‌آوردن همایون پادشاه - پسر و جانشین بابر - به دربار شاه طهماسب صفوی و بازگشت او به هندوستان، این سفر همایونی، باعث تجدید و تشدید رابطه خاندان تیموری با ایران و فرهنگ ایرانی شد و با ظهور فرزند همایون - جلال‌الدین اکبرشاه - دوره اعتلا و اوج زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره آغاز شد. نظر به اینکه کاهی از معدود شاگردان عبدالرحمن جامی است که به دعوت همایون، بیش از پنج دهه از عمر خویش را در دربار شاهان شاعرپرور هند سپری کرده و دو اثر ناتمام از وی باقی مانده است؛ پس از گردآوری ناقص و ناتمام دیوان کاهی در سال (۱۳۳۴هـ.ش) معرفی و بررسی تنها نسخه موجود از مثنوی «گل افشان» می‌تواند هویت یکی از مثنوی‌های اخلاقی شعر فارسی مربوط به قرن نهم و دهم در هندوستان را آشکار سازد.

۳-۲- از نظر سبک‌شناسی و بلاغت

از دوره‌های آغازین شعر فارسی، نوعی از شعر در میان شاعران رواج داشته که آن را «جواب» یا «استقبال» نامیده‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر در قرن نهم و آغاز قرن دهم، تقلید از گویندگان متقدم یا معاصران خود است. «زیپولی» در مقاله ارزشمند «فن جواب‌گویی و تتبع در شعر فارسی» این نوع از شعر را عمدتاً پدیده‌ای ایرانی می‌داند (زیپولی، ۱۳۷۴: ۳۴). او معتقد است که «اگرچه در کتب بلاغی صورت‌های مختلف سرقت به تفصیل و به طریقه کاملاً فنی با اصطلاحات دقیق و متفاوتی وصف شده؛ اما درباره «جواب» و چگونگی آن به‌صورت پراکنده در کتب غیر تخصصی، مطالبی آورده شده و تحقیق کاملی انجام نگرفته است» (همان: ۳۵). صنعت جواب در شعر فارسی برخلاف شعر عرب که در آن معارضه، مفاخره و مهاجرات، نوعی از جدال

منظومی است؛ جزو سنت شعرسرایی و نتیجه نهایی و منطقاً معقول قواعد حاکم بر شعر است. در جوابیه‌های شعر فارسی، فراتر از متن شعر می‌توان مسائل تاریخی و ادبی یعنی «هم‌زمانی» و «درزمانی» را بررسی کرد. زیپولی معتقد است: «در سطح هم‌زمانی، جواب مشخص‌کننده شاعران و شعرهایی است که یک یا چند شاعر یا شاعران یک دوره پاسخ گفته‌اند و به وسیله آن می‌توان گرایش‌های ذوقی شاعران جواب‌دهنده را آشکار کرد و از طریق سطح درزمانی (تاریخ) با بررسی انتقادی مجموعه روابط، تحولات سبکی و تأثیر آن‌ها در طی سال‌ها را می‌توان بیان نمود» (همان: ۴۱). ارزش ادبی «گل افشان» از نظر فن بلاغت و سنت شعری جواب‌گویی بدان جهت است که در شعر فارسی، غالباً غزلیات یا قصاید شاعران متقدم یا هم‌عصر خویش را پاسخ داده‌اند و در قالب مثنوی، تنها از مضمون و وزن آثار مفاخر شعر فارسی چون فردوسی، نظامی، عطار، سنایی، سعدی، مولوی و جامی متابعت و تقلید کرده‌اند. در میان این شاعران بلندآوازه، علی‌رغم تقلید فراوان از گلستان، به دلیل سهل و ممتنع بودن شیوه سعدی، اشعار او به‌ویژه سعدی‌نامه یا بوستان کم‌تر مورد استقبال قرار گرفته‌است. از قرن هفتم تا قرن سیزدهم از میان مثنوی‌هایی که به تقلید از بوستان سروده شده می‌توان به چند مثنوی مانند «بوستان خیال» عبدی‌بیگ شیرازی در (۹۶۱هـ.ق) به نام شاه طهماسب، «سنبلستان» (تألیف ۱۲۷۷هـ.ق) از میرزا گوپال تفته، شاعر فارسی‌سرای شبه‌قاره و «خانقاه» فقیر اصطهباناتی در قرن سیزدهم هجری اشاره کرد که در این سه مثنوی تنها از وزن و مضامین اخلاقی و تربیتی بوستان تقلید شده و تعداد ابیات، ابواب، عناوین ابواب و سایر ویژگی‌ها به کلی با بوستان متفاوت هستند. از آنجایی که مثنوی «گل افشان» گاهی از نظر قلمرو موسیقایی (Musical) شامل موسیقی بیرونی کناری درونی و معنوی، بسیار به بوستان شبیه است و علاوه بر آن، از نظر تعداد و نام باب‌ها، تعداد و نام حکایات، ترتیب ابواب و حکایات، ترتیب ابیات و تعداد ابیات حکایات، دقیقاً شبیه بوستان و قافیه‌به‌قافیه در جواب بوستان سروده شده‌است، بررسی و معرفی این دستنویس از این نظر نیز حائز اهمیت است.

۴- معرفی نسخه خطی «گل افشان»

منظومه نسخه خطی «گل افشان»، سروده سید ابوالقاسم نجم‌الدین محمد متخلص به کاهی (۹۸۸هـ.ق) به شماره ۱۱۷۴-۰۱۶-IRN تنها نسخه موجود از این مثنوی اخلاقی و تعلیمی است که در کتابخانه ابن‌مسکویه اصفهان نگهداری می‌شود. اگرچه از عهد مؤلف تا به امروز از نام و بیت مطلع این مثنوی فراوان سخن به میان آمده؛ اما از مشخصات، تعداد ابیات و سال سرایش آن

چیزی ذکر نشده است. در دوره معاصر، آقابرگ تهرانی در صفحه (۲۳۱) جلد هجدهم «کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه» از این کتاب با عنوان «گل نشان» یاد کرده؛ اما از نسخه خطی و محل نگهداری آن اطلاعاتی به دست نداده است. نسخه خطی حاضر دارای جلد مقوایی با روکش کاغذ الوان و عطف تیماج دارای (۲۸۴) صفحه (۱۴۲) برگ، در ابعاد (۲۱×۱۲) و در هر برگ به طور متوسط حدود ۱۵ بیت به خط نستعلیق با جوهر مشکی نوشته شده است. اگرچه نسخه کامل، دارای رکابه بوده؛ ولی متأسفانه به دلیل کهنگی، فرسودگی و پارگی کناره برگ‌ها، بسیاری از صفحات فاقد پای‌برگ است. صفحات ۶۱-۸۰-۱۳۵-۲۰۴-۲۵۲ تا ۲۷۳-۲۷۹ تا ۲۸۳ به علت صحافی مجدد، چسبندگی برگ‌ها و خوردگی حواشی و آب‌دیدگی، بسیار آسیب دیده و آغاز یا پایان ابیات قابل خواندن نیست. در این نسخه که حدود (۳۶۸۳) بیت از نسخه کامل باقی مانده؛ عنوان باب‌ها و حکایات به خط نستعلیق با شنگرف نوشته شده است.

در حاشیه برخی صفحات به خط و قلمی متفاوت، ابیات یا کلماتی نوشته شده است. در حاشیه صفحه ۳ و صفحه ۲۴ مَهر «جعفر علی عبده» و در صفحه ۵۴ در حاشیه بالای صفحه مرقومه مالک کتاب به خطی شکسته با قلم دیگر «این کتاب از مال «ملا حسن» و کد مرحوم «جهان‌بخش» و تکرار همین عبارت در حاشیه صفحه ۱۰۱ دیده می‌شود. علاوه بر این مرقومه، در حاشیه بالای صفحه ۱۴۵، مرقومه دیگری مکتوب شده است که نشان می‌دهد تملک کتاب چندین سال دست‌به‌دست چرخیده است: «این کتاب از مال خالص عالی‌شان «مشهدی علی اکبر» و کد صدق «ملا علی محمد نقنه‌ای»، هر کس این را بدزدد و ندهد، به لعنت خدا و رسول گرفتار شود. والسلام». این دو مرقومه فاقد تاریخ است. علاوه بر این دو مرقومه، در صفحه ۱۵۰ که کاملاً سفید و مربوط به پایان نسخه است، سوره ناس و نقش دو مَهر متفاوت و دو مرقومه دیده می‌شود که یکی از آن دو متعلق به «مشهدی علی اکبر» و کد «ملا علی محمد نقنه‌ای» و دیگری به تاریخ جمادی‌الأول سنه (۱۲۲۵هـ) است که کتاب را از طرف «رفیع‌الدین محسن» به نورچشمی‌اش «محمد» تقدیم کرده است. در سراسر نسخه نوع قلم یکسان نیست. پس از باب ششم، نوع قلم و اندازه آن تغییر کرده است و در بخش دوم، با تغییر قلم، ضبط‌های نادرست، قلم‌خوردگی و تصحیح، تکرار ابیات، تصحیف و سقط و تقدیم و تأخیرهای فراوانی دیده می‌شود که غالباً با علائمی چون «خ»، «م»، «ح»، «لا» و «√» علامت‌گذاری شده است. با توجه به پارگی و فرسودگی نسخه و صحافی مجدد آن، متأسفانه نسخه بسیار مشوش و اوراق آن جابه‌جا و حکایات ابواب آن

بسیار پراکنده به هم وصل شده است. به نظر می‌رسد حدود ده برگ نخست نسخه، شامل خطبه آغازین، نعت سیدالمرسلین، سبب نظم کتاب و قسمتی از مدح مهدی‌الیه (همایون یا اکبر) مفقود شده و نسخه فاقد صفحه افتتاح، شامل نام سُراینده و مهدی‌الیه است. اگرچه در تذکره‌های بی‌شمار مطلع زیر را برای این مثنوی ذکر کرده‌اند:

جهان‌آفرین را به جهان‌آفرین به جهان‌آفرین صد جهان‌آفرین
(بداونی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۱/۳)

اما نسخه حاضر با بیت زیر، مربوط به باب دوم «گل افشان»، آغاز می‌شود که نشان‌دهنده بی‌نظمی و مغشوش بودن نظم صفحات است:

بحمدالله از بعد باب نخست سَمند قلم همچنانست چُست
(گاهی، بی‌تا: ۱)

در کمال تأسف، صفحه انجام این نسخه نیز، شامل مشخصات کاتب و تاریخ کتابت، از نسخه افتاده و صفحه انجامه نسخه مربوط به مقدمه باب دهم است:

نهم منزل جبرئیل امین که دارد عناصر به زیر نگین
(همان: ۲۸۳)

هرچند که «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است»، اما با توجه به مقدمه‌های ۵ تا ۱۱ بیتی هر باب که گاهی باعنوان «داستان» (باب‌های دوم، سوم و هفتم) و گاهی باعنوان مقدمه آمده است؛ می‌توانیم نام کتاب، نام شاعر و مهدی‌الیه و صحت نسخه را تأیید کنیم و به سال سرایش منظومه پی‌ببریم.

- باب سوم آغاز سیوم داستان از کتاب «گل افشان»:

فلک قدر «اکبرش» نامدار زمین و زمان را قرار و مدار

به اهل هنر گرچه دارد نظر به «گاهی» ولی از همه بیشتر
(همان: ۵۵)

- باب دوم آغاز دوم داستان از کتاب «گل افشان»:

بحمدالله از بعد باب نخست سَمند قلم همچنانست چُست
(همان: ۱)

سخن گفّت «سعدی» و «کاهی» جواب به حُسن و صفا چون مه و آفتاب
(همان)

- دیباچه کتاب:

نهم منزل جبرئیل امین که دارد عناصر به زیر نگرین
(همان: ۲۸۳)

پسر کو ندارد نشان پدر نباشد ز پشت پدر آن پسر
(همان: ۲۰۵)

چنین باد شهزاده پاک زاد بجز شاه اکبر ز مادر نـزاد
(همان)

فلک قدر اکبر شه نیک بخت سرافراز ازو تاج و پاینده تخت
(همان)

شهی همچو خورشید روشن ضمیر ندیده جوانی چو او چرخ پیر
(همان: ۲۰۴)

در ابیات فوق، نام سراینده نسخه و مهدی الیه و جواب گویی بوستان کاملاً مشخص است. ما با توجه به این ابیات، گمان داریم که سال سرودن اثر حدود (۹۶۵هـ.ق) یعنی پس از جلوس اکبر شاه (۹۶۳هـ.ق) هنگام جوانی شاهزاده «ندیده جوانی چو او چرخ پیر» و سالخوردگی شاعر باشد؛ زیرا در هنگام جلوس جلال‌الدین محمد اکبر شاه، کاهی حدوداً ۸۰ سال از عمرش را سپری کرده بود.

۴-۱- ویژگی‌های ساختاری «گل افشان»

نسخه حاضر با توجه به اینکه در جواب بوستان سروده شده، دارای ده باب است؛ اما به دلیل نداشتن فهرست، صحافی مجدد و جابه‌جایی فراوان صفحات، ساختار کتاب دچار بی‌نظمی فراوان شده که پس از ساماندهی و نظم نسخه، ابواب آن به شرح ذیل گردآوری شد: «دیباچه»، «باب اول در عدل و انصاف و تدبیر جهان‌داری»، «باب دوم در احسان»، «باب سوم در عشق و طریقت اولیاء و صدق محبت ایشان»، «باب چهارم در تواضع»، «باب پنجم در رضا»، «باب ششم در قناعت»، «باب هفتم در تربیت»، «باب هشتم اندر شکر»، «باب نهم در توبه»، «باب دهم در مناجات و ختم کتاب». موضوعات باب‌های «گل افشان» مانند بوستان با عناوینی چون «حکایت»، «گفتار»، «مَثَل»، «قول» و در یک مورد «مخاطبه» ساماندهی شده است و در این میان باب اول، دوم و هفتم دارای

بیش‌ترین گفتار و حکایت است. ما در این مقاله با توجه به ضرورت و مجال نوشتار، به تعدادی از عناوین گفتارها و حکایات باب یکم تا دهم اشاره می‌کنیم:

باب اول در عدل و انصاف و تدبیر جهان‌داری؛ شامل ۵۰ «حکایت»، «گفتار» یا «قول»

گفتار اندر بخشایش بر ضعیفان؛ گفتار اندر شناختن ملوک، دوست و دشمن از رعیت؛ گفتار اندر نظر پادشاهان در حق رعیت مظلوم؛ حکایت در معنی شفقت ملوک بر رعیت و مسکینان؛ گفتار اندر نگهداری خاطر درویشان؛ گفتار در معنی رحمت توانایان در حال ناتوانی؛ گفتار اندر عدل و ثمره آن و ظلم و عاقبت آن؛ صفت جمعیت اوقات درویشی؛ حکایت عارف و استخوان پوسیده؛ حکایت حجاج یوسف و مرد حق‌گوی؛ گفتار اندر نواختن رعیت و رحمت بر افتادگان؛ گفتار اندر مُلک دولت و نعمت دنیا که بقا ندارد؛ حکایت در تغییر روزگار و انتقال مملکت؛ حکایت پادشاهان غور با روستایی؛ حکایت در معنی خاموشی و نصیحت؛ گفتار اندر رأی پادشاهان و تدبیر ملک؛ گفتار اندر نواخت لشکریان در حال امن و فراغت؛ گفتار اندر تقویت مردان کارآموده؛ گفتار در نگاه‌داشتن اصحاب سیف و قلم؛ گفتار اندر دفع دشمنان؛ گفتار اندر ملاطفت دشمن از روی لطف؛ گفتار اندر پوشیدن راز خویش از بزرگان.

باب دوم در احسان؛ شامل ۳۷ عنوان «حکایت»، «گفتار» و یک مورد «مَثَل»

گفتار اندر نواختن یتیم و ضعف حال وی؛ حکایت ابراهیم خلیل (علیه‌السلام)؛ گفتار اندر احسان با مردم نیک و بد؛ حکایت مرد مُمسک و فرزند خَلَف؛ حکایت زاهد با پسر؛ حکایت عابد خودبین؛ حکایت در معنی گردش روزگار؛ حکایت در معنی ترحم بر ضعیفان؛ حکایت در معنی اهل دل؛ حکایت در جوانمردی و ثمره آن؛ حکایت در معنی صیدکردن دل‌ها؛ حکایت در آزمودن پادشاه یمن، حاتم را به آزادمردی؛ حکایت دختر حاتم در روزگار حضرت (علیه‌السلام)؛ حکایت در آزادمردی حاتم و ذکر پادشاه اسلام؛ حکایت در حلم پادشاهان و بخشایش بر ضعیفان؛ گفتار اندر دل‌داری خَلَق تا برسند به اهل دلی؛ حکایت مرد بخیل و فرزند لآبالی؛ حکایت احسان اندک و ثمره بی‌نهایت؛ حکایت در ثمره نکوکاری و آخرت؛ گفتار اندر هیبت ملوک و سیاست در مُلک؛ حکایت در معنی احسان با کسی که سزاوار نباشد.

باب سوم در عشق و طریقت اولیاء؛ شامل ۲۷ عنوان «گفتار»، «حکایت» و یک مورد «مخاطبه»

نصیحت در عشق اهل محبت؛ گفتار در محبت روحانی؛ گفتار در معنی تحمل محبت صادق؛ گفتار در معنی فنای اهل محبت؛ حکایت در معنی اشغال اهل محبت؛ حکایت در اقتداشدن

محبت و غنیمت شمردن؛ حکایت در صبر و ثبات روزگار؛ حکایت در معنی آنکه مُحب از ملامت خالی نباشد؛ حکایت در صبر بر جفای آنکه از وی صبر نتوان کرد؛ حکایت در معنی شکیبایی بر درد به امید درمان؛ حکایت در معنی استیلائی عشق بر عقل؛ حکایت در عزت محبوب در نظر مُحب؛ حکایت فرهاد و صدق محبت او؛ حکایت لیلی و مجنون؛ حکایت در معنی قدم مردان به راستی در راه حق؛ گفتار در معنی موجودات در معرض وجود حق؛ حکایت دهقان در لشکرگاه سلطان؛ حکایت کوکب زُهره و غُدر آن؛ گفتار اندر سماع اهل دل و تقریر حق و باطل.

باب چهارم در تواضع؛ شامل ۲۸ «حکایت»

حکایت در نظر مردان در خود به چشم حقارت؛ حکایت پادشاه عمید؛ حکایت در عجب و عاقبت آن؛ حکایت موسی (علیه السلام)؛ حکایت شاعر و مدرس؛ حکایت توبه کردن پادشاه گنجه؛ حکایت طواف شکر؛ حکایت در تواضع نیک مردان؛ حکایت در معنی عزت نفس مردان؛ حکایت خواجه نیکوکار؛ حکایت شاه سنجان و مسافر رنجور؛ حکایت در گستاخی درویشان و حلم پادشاهان؛ حکایت در تواضع و نیازمندی؛ حکایت یعقوب و سیرت او؛ حکایت مرد شب‌خیز؛ حکایت امام خراسان؛ حکایت خواجه عبید و سیرت او؛ حکایت امیرالمؤمنین علی (رضی الله عنه)؛ حکایت ابوهاشم صوفی.

باب پنجم در رضا؛ شامل ۱۴ «حکایت» و یک «گفتار»

حکایت تیرانداز اردبیل؛ حکایت طبیب و گُرد؛ حکایت معلم و متعلم؛ حکایت زاغ [با] کرکس؛ گفتار اندر اخلاص و برکت [آن] از ریا و آفت آن؛ حکایت طفل روزه‌دار.

باب ششم در قناعت؛ شامل ۱۴ «حکایت»

حکایت در مذلت بسیار خوار؛ حکایت در عزت و قناعت؛ حکایت در معنی مذلت طبع؛ حکایت در معنی آسانی.

باب هفتم در تربیت؛ شامل ۳۲ «گفتار» و «حکایت» که اکثر حکایات آن فاقد عنوان است

حکایت عضد و مرغان خوش‌آواز؛ گفتار در فضل خاموشی و آفت بسیارسخنی؛ گفتار اندر پروردن فرزندان خود؛ حکایت در پرورش نیکان.

باب هشتم اندر شکر؛ شامل ۱۱ «حکایت» و یک «گفتار» که اکثر حکایات فاقد عنوان است

گفتار اندر نظر در آثار صنُّع باری؛ حکایت هندوستان و ضلالت بت پرستان.

باب نهم در توبه؛ شامل ۱۶ «حکایت» که ۱۵ حکایت آن فاقد عنوان است

حکایت خرمن‌سوز.

باب دهم در مناجات و ختم کتاب؛ شامل دو «حکایت» که حکایت نخست، ناقص است حکایت بت‌پرست حاجت‌خواه با عابد کامل.

۴-۲- ویژگی‌های نگارشی و زبانی

نسخه حاضر از نظر رسم‌النخط و شیوه نگارش، مشابه رسم‌النخط قرن دهم و یازدهم هجری است و در آن علائم نگارشی مانند نقطه، ویرگول، دونقطه، علامت پرسش و تشدید به‌کار نرفته‌است. از مهم‌ترین ویژگی‌های نگارشی این نسخه می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم که غالباً در قرن دهم و یازدهم مرسوم بوده‌است:

- گذاشتن «ح» زیر حرف «ح» و علامت «٠٠» زیر حرف «س» در اکثر موارد؛
- استفاده از حروف «ک»، «ج»، «ب» به جای «گ»، «چ» و «پ» در بسیاری از کلمات: مثال: «جو» به جای «چو»، «کنج» به جای «گنج»، «بس» به جای «پس»؛
- کتابت «ت» به شکل «ه» در کلمات عربی: مثال: «مروه» به جای «مروت»، «چو در مرد و زن قوت و قوه ندید»، «قوه به جای قوت»؛
- به‌کاربردن «ی» نکره به شکل «ء» در کلماتی که به «ه» غیرملفوظ ختم می‌شوند: مثال: «نویسنده کز خدا شرم داشت»، به جای «نویسنده‌ای»؛
- استفاده از «ئی» به جای «ی» در پایان موصوف یا مضاف در پایان برخی کلمات: مثال: «آهوئی» زیبا به جای «آهوی» زیبا؛
- کتابت «خرد» و «خردان» به شکل «خورد» و «خوردان» در تمام نسخه؛
- حذف «ه» غیرملفوظ هنگام جمع‌بستن با «ها»: مثال: «چو دیوان‌ها موی کالیده»، به جای «دیوانه‌ها»؛ «اگر پشه‌ها ناگه آرند زور»، به جای «پشه‌ها»؛
- کتابت فعل «خواست» به جای «خاست»:
- مثال: «به خود گفت فریاد سگ از چه خواست»؛
- استفاده از قید نفی یا جدا نوشتن [نه] که امروزه جزء پیشین فعل شمرده می‌شود: مثال: «نه برداشتند و نه بشنود»؛ به معنی برنداشتند و نشنید؛

- استفاده از «ی» به جای کسره اضافه:

مثال: «که چشمی همه کس بر احسان تست»؛ «چشم همه»؛

- حذف «و» از کلمات مشتق مرکب:

مثال: «بود خاطرش فارغ از خورد خواب» «خورد و خواب»؛

- استفاده از «ز» به جای «ذ» یا برعکس:

مثال: «تدویر»، «مؤزن» به جای «تزویر» و «مؤذن» یا «ذال» به جای «زال»؛

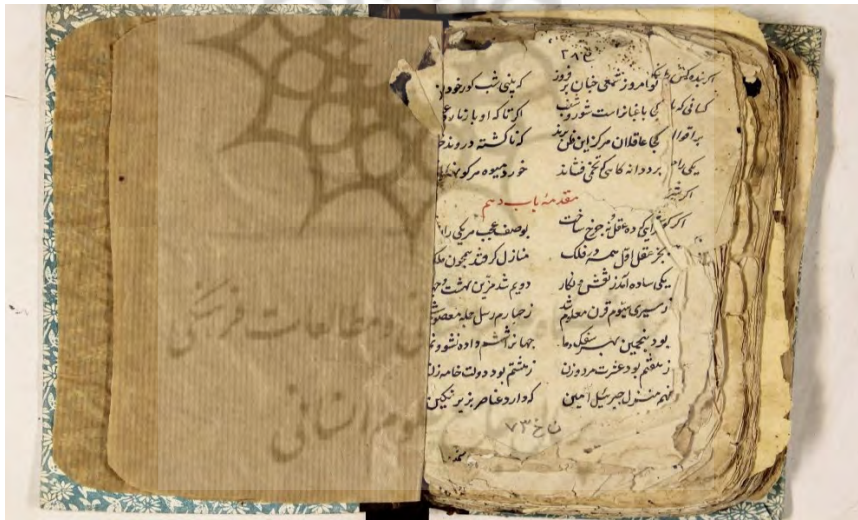
- استفاده از تلفظ کهن برخی واژگان مانند: «خوش»، «سُخن»، «اژدر»، «خُسپد».

۵- نتیجه

منظومه خطی «گل افشان»، سروده سید ابوالقاسم نجم الدین محمد متخلص به کاهی (۹۸۸هـ.ق) به شماره ۱۶-۰۱۶-۱۱۷۴ IRN تنها نسخه موجود از این مثنوی اخلاقی و تعلیمی است که در کتابخانه ابن مسکویه اصفهان نگهداری می شود. این نسخه خطی، یکی از نمونه های ارزشمند «جواب گویی» و استقبال از «بوستان سعدی» است که در قرن دهم در هند سروده شده است. به دلیل افتادگی صفحات نخست و پایانی نسخه، نام اثر، نام شاعر، نام مهدی الیه، نام کاتب و تاریخ کتابت اثر، نام معلوم است؛ اما قراین متعددی مانند ابیات آغازین مقدمه باب ها و تخلص شاعر در پایان ابیات، نام کتاب، نام شاعر و مهدی الیه را به وضوح نشان می دهد. این مثنوی که به شیوه بوستان سعدی سروده شده، دارای (۳۶۸۳) بیت و شامل یک دیباچه و ده باب به نام های «در عدل و انصاف و تدبیر جهان داری»، «در احسان»، «در عشق و طریقت اولیاء»، «در تواضع» «در رضا»، «در قناعت»، «در تربیت»، «اندر شکر»، «در توبه»، «در مناجات و ختم کتاب» است. با توجه به اینکه بیشتر آثار کاهی مفقود شده اند و مثنوی «گل افشان» وی یکی از نمونه های ارزشمند جواب گویی و تقلید از بوستان سعدی است؛ بررسی و معرفی این اثر علاوه بر آشکارسازی هویت یکی از آثار سروده شده در هند، از نظر تاریخ ادبیات و سبک شناسی و بلاغت حائز اهمیت است و می تواند راهگشای پژوهشگران باشد.



تصویر ۱. صفحه نخست دستنویس «گل افشان» به شماره ۰۱۶-۱۱۷۴ IRN



تصویر ۲. صفحه پایانی نسخه دستنویس «گل افشان» به شماره ۰۱۶-۱۱۷۴ IRN

۶- منابع

- ۱- انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، جلد ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، به تصحیح آمنه فخر احمد و ذبیح‌الله صاحبکار، جلد ۶، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
- ۳- برومند، ادیب، معرفی کاهی، مجله وحید، خرداد، شماره ۱۸، صص ۱۹-۲۰، ۱۳۴۴.
- ۴- بداونی، عبدالقادر بن ملوک‌شاه، منتخب التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، با مقدمه توفیق سبحانی، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۵- حکمت، علی‌اصغر، سرزمین هند، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- ۶- رازی، امین احمد، هفت اقلیم، تصحیح و حواشی محمدرضا طاهری، چاپ اول، جلد سوم، تهران: سروش، ۱۳۷۸.
- ۷- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد دوم، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
- ۸- زیپولی، ریکاردو، فن جواب‌گویی و تتبع در شعر فارسی، ترجمه مصطفی ذاکری، نامه فرهنگستان، شماره ۲، صص ۳۰-۴۷، ۱۳۷۴.
- ۹- شیمل، آنهماری، در قلمرو خانان مغول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- ۱۰- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش اول، چاپ هفتم، تهران: فردوس، ۱۳۷۱.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش دوم، چاپ پنجم، تهران: فردوس، ۱۳۷۱.
- ۱۲- صبا، محمد مظفر حسین، تذکره روز روشن، تصحیح محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: انتشارات کتابخانه رازی، ۱۳۴۳.
- ۱۳- عاشقی عظیم‌آبادی، حسن‌قلی‌خان، تذکره نشتر عشق، تصحیح کمال حاج سید جوادی، جلد ۲، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب، ۱۳۹۱.
- ۱۴- فخرالزمانی قزوینی، ملاعبدالنبی، تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: اقبال، ۱۳۴۰.

- ۱۵- قاطعی هروی، **مجمع الشعراى جهانگیرى**، تصحیح محمدسلیم اختر، کراچی: مؤسسۀ تحقیقات علوم آسیای میانه، ۱۹۷۹.
- ۱۶- کاهی، سید نجم‌الدین محمد ابوالقاسم، **نسخه خطی** به شماره IRN-016-1174 کتابخانه ابن مسکویه اصفهان.
- ۱۷- کرمی، احمد، **دیوان کاهی**، تهران: تالار کتاب، ۱۳۶۶.
- ۱۸- هادی حسن، **قاسم کاهی**، برگرداننده به درى محمدعثمان صدقى، مجله ادب پوهنچى ادبیات و علوم بشری، سال ۲۳، شماره ۳، کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۵۴.
- ۱۹- هاشمی سندیلوی، احمدعلی خان، **تذکره مخزن الغرایب**، به اهتمام محمدباقر، جلد چهارم، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۱.

